

بررسی پدیده‌های اسطوره‌ای در بهمن نامه^۱

دکتر ایرج مهرکی^۲

لیلا خزل^۳



چکیده

پس از شاهنامه‌ی حکیم توس، منظومه‌های داستانی اسطوره‌ای - حماسی در ایران رایج گردید. شاعران و نویسندگان بسیاری با این مضمون داستان سرایی کردند. ایرانشاه بن ابی‌الخیر در اواخر قرن پنجم، بهمن نامه را پس از گذشت دو قرن از سرودن شاهنامه و تحت تأثیر آن سروده است. این منظومه، با توجه به بسامد بالای پدیده‌های اساطیری در آن قابل توجه است. در این مقاله پدیده‌های اسطوره در منظومه‌ی بهمن نامه از قبیل: موجودات شگفت‌انگیز، کوه‌ها و دریاها، عجیب، جانوران غریب، اژدها، جادوگران، خواب، کارهای خارق‌العاده و... و نیز شخصیت‌های اساطیری این منظومه مورد بررسی قرار گرفت و برخی از رموز پدیده‌های اساطیری داستان بهمن نامه آشکار گردید.

کلید واژه: اسطوره، حماسه، بهمن نامه، ایرانشاه، بهمن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- این مقاله متخذ از پایان نامه است

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، ایران

۳- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، ایران

مقدمه

آن چه ما امروز اساطیر اقوام کهن می‌نامیم، در دوران باستان، تاریخ متعارفی همراه با مقدسات مردم ابتدایی بوده است. اسطوره‌ها از اعتقادات پیشینیان نخستین جدا نبوده و در نزد بشر ابتدایی حاوی دستور العمل‌هایی برای زندگیشان بوده است. این (اسطوره‌ها آینه‌هایی هستند که تصویرهایی را از ورای هزاره‌ها منعکس می‌کنند، و آنجا که تاریخ و باستان‌شناسی خاموش می‌مانند، اسطوره‌ها به سخن در می‌آیند و فرهنگ آدمیان را از دوردست‌ها به زمان ما می‌آورند و افکار بلند و منطق گسترده‌ی مردمانی ناشناخته ولی اندیشمند را در دسترس ما می‌گذارند.) (هینلز، ۱۳۷۳: ۹) اساطیر، داستان‌های کهنی هستند که در نزد گذشتگان دور، حقیقت تلقی می‌شدند. اسطوره‌ها، بسیاری از حقایق فرهنگی، دینی، اجتماعی و حتی افکار و اندیشه‌های ابتدایی ملت‌ها را در خود گنجانیده‌اند.

در ادبیات، اساطیر جایگاه ویژه‌ای دارند، زیرا می‌توان گفت اسطوره یکی از سرچشمه‌های ادبیات است. (بسیاری عقیده دارند که اسطوره پیوندی نزدیک، هر چند ابهام آمیز، با ادبیات دارد و سرنوشت یکی وابسته به دیگری است، پس هرگاه که افسون اسطوره زدایی مطرح می‌شود، آینده‌ی ادبیات، در خطر قرار می‌گیرد.) (روتون، ۱۳۸۷: ۷۵) ادبیات پارسی نیز، گنجینه‌ای از داستان‌های اساطیری کهن است، که دیدگاه مردمی را منعکس می‌کند که دارای فرهنگ و تمدنی غنی بوده‌اند. این پدیده‌های اسطوره‌ای از گذشته‌های دور تا به امروز در ادبیات این مرز و بوم حضوری آشکار دارند. در کتبی مثل: اوستا، یادگار زیریران، کارنامه‌ی اردشیر بابکان، دینکرت، بندهش، خداینامه و غیره. اما سرودن چنین منظومه‌های در قرون متاخرتر، پس از شاهنامه حکیم توس، و بر اثر نفوذ آن در شعر و ادب فارسی، رایج گردید. منظومه‌های بسیاری که هیچگاه نتوانستند به پایه و ارزش شاهنامه دست یابند، اما در نوع خود

مورد توجه هستند. به طور کلی، اسطوره‌ها در ادبیات ایران، حضوری غیر قابل انکار دارند. مکان و بستر آنها متفاوت است، گاهی در بستر و قالب حماسه و گاهی در قصه و افسانه (به هر دو صورت نظم و نثر) تجلی یافته‌اند.

منظومه‌ی بهمن نامه داستانی اسطوره‌ای - حماسی است که به پیروی از شاهنامه حکیم توس سروده شده، ایرانشاه ابن ابی‌الخیر ناظم آن در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری، بهمن نامه را سروده است. بهمن نامه از نظر موضوع و همچنین حفظ داستان‌های اساطیری به زبان پارسی دارای اهمیت خاصی است. این منظومه حاوی داستان‌هایی در مورد بهمن، پسر اسفندیار است که بسیاری از داستان‌های آن در شاهنامه‌ی فردوسی نیست. پدیده‌های اسطوره‌ای موجود در این منظومه، مانند بسیاری از منظومه‌های اساطیری با عناصر و ویژگی‌های داستان‌های حماسه همراه است.

بهمن نامه‌ی ایرانشاه، مانند دیگر آثار مقلدان شاهنامه‌ی حکیم توس (گرشاسپ نامه، فرامرز نامه، بانو گشسب نامه و...) نتوانسته است به اندازه‌ی شاهنامه از داستان‌های اسطوره‌ای بهره‌برد و به منظومه‌ی بهمن نامه طراوت و جذابیت ببخشد، اما تازگی داستان‌هایش بسیار شایان توجه است، و پدیده‌های اساطیری در آن، مانند: جزایر، کوه‌ها و دریا‌های عجیب، اژدها، جادوگران، دیوان، سفرهای پر ماجرای قهرمانان، موجودات شگفت‌انگیز، خواب‌های بزرگان و شاهان، پیشگویی‌ها، سوگندها، کارهای خارق‌العاده قهرمانان و غیره، داستان را بسیار جالب و خواندنی کرده است. در این منظومه، داستان‌های اساطیری نه به اندازه‌ی گرشاسپ نامه بی‌رویه زیاد هستند که داستان کسالت آور شود، و نه مانند بانوگشسب نامه، تقریباً از اسطوره‌ها خالی است. بلکه ایرانشاه از آنها به اندازه و به جا استفاده کرده است.

داستان بهمن نامه با موضوع کین‌خواهی آغاز می‌گردد و با همین موضوع پایان می‌یابد. ایرانشاه با استفاده از اسطوره‌ها این احساس را در ما ایجاد می‌کند. که این

سرزمین (ایران) وارث پهلوانانی است که میهن دوستی را حتی فراتر از اصل و نسب خود می‌دانند و در این راه از غرور، کین خواهی و خواسته‌های خود می‌گذرند. آنان دارای صفات بسیار برتری در مقایسه با دیگران می‌باشند. و قدرت خارق العاده دارند. برخی از شخصیت‌های اساطیری در بهمن نامه فرعی هستند، همانند: رستم، پشوتن و زواره که تاثیر چندانی در داستان ندارند و گهگاه به ضرورت داستان حضور می‌یابند و در کنار شخصیت‌های اصلی نقش کم رنگی را به نمایش می‌گذارند.

شخصیت‌های اساطیری اصلی در بهمن نامه، بهمن، فرامرز، زال، آذربرزین (پسر فرامرز)، بانوگشسب و جاماسب هستند. هرکدام از این افراد با ویژگی‌های خاص خود در داستان نقشی را ایفا می‌کنند. برخی از این اشخاص اسطوره‌ای دارای خصلت‌های عجیبی هستند؛ مثلاً، توانایی تعبیر خواب که جاماسب و زال از آن برخوردار هستند. پهلوانان در بهمن نامه تا جایی که لازم است در داستان حضور داشته باشند، بدون محدودیت زمان و مکان، حضور دارند، و دارای عمری بسیار طولانی هستند، و گاهی به نظر نامیرا می‌رسند. شاید این خصلت‌ها اساطیری برای پهلوانان، به علت ویژگی‌های داستان‌های اساطیری - حماسی است، که بتوان تا حد ممکن پهلوان اسطوره‌ای و حماسی را با اهمیت و با شکوه نمایان ساخت.

در بهمن نامه، شاه بهمن مانند اغلب پادشاهان داستان‌های اسطوره‌ای در زمان سلطنت خود با دشمنان زیادی می‌جنگد. - چون (جنگ در افزایش قدرت پادشاهان باید نقش مهمی بازی کرده باشد، زیرا در جنگ است که نیاز به وحدت فرماندهی آشکار می‌گردد). (راسل، ۱۳۷۶: ۱۰۲) - بهمن، برای نشان دادن قدرت و نیروی خود به جنگ خاندان بزرگ ترین پهلوان ایران زمین می‌رود تا در آغاز سلطنت خود، البته از روی خامی و نادانی، توانایی پادشاهیش را آشکار کند، اما این تصمیم او سرانجامی دگرگونه دارد.

است، باید درک شود که از این طریق خواب آلودگی، به آنچه در آینده است؛ در آینده می‌رسد.) (بهار، ۱۳۷۳: ۱۲۷) در بهمن نامه نیز این دو پدیده (خواب و پیشگویی) همان نقش خود را حفظ کرده‌اند. تمامی خواب‌های این منظومه (یک خواب از شاه‌صویر، دو خواب از زال، دو خواب از شاه‌بهمن) رحمانی و اهورایی اند، و تعبیر و پیشگویی آنها به حقیقت می‌پیوندد.

سوگند خوردن یکی دیگر از پدیده‌های اسطوره‌ای کهن که قدمتش خیلی بیشتر از زمان زرتشت است، در جای جای بهمن نامه به چشم می‌خورد. تمامی این سوگندها به گونه‌ی شفاهی هستند. (از این نوع سوگند که تنها به صورت شفاهی مانده، تحت نام ویه ایتونه و ور باندوک در ماتیگان نشان داریم. این است که سوگند مفهوم قول و پیمان و عهد یافته و امروزه نیز استفاده می‌شود.) (رسولی، ۱۳۷۷: ۱۳۴ و ۱۳۳) در این گونه سوگندهای شفاهی از آزمایش‌های سخت بدنی مانند: رفتن در آب داغ و یا سرد و یا آتش، ریختن فلز مذاب بر روی بدن و غیره خبری نیست. سوگندهای خوردن‌ها در این منظومه‌ی داستانی (بهمن نامه) یا به پدیده‌های دینی و مذهبی است، مانند: اوستا، زند، یزدان و دین بهی، آتشگده‌ها (آذرگشسب، آذرفرنبغ، آذربرزین مهر) و یا به پدیده‌های طبیعی (که در مواردی شاید بتوان آن را دینی و مذهبی نیز فرض کرد) مثل: ماه، خورشید و مهر است، و یا به جشن‌های مقدس ایرانیان همانند: مهرگان و نوروز، و گاهی به جان و سر پهلوانان، نیاکان و اجدادشان است.

از مباحثی که در اسطوره‌های تمامی ملل مطرح است، وجود خدایان، خلق جهان و موجودات گیتی است. در منظومه‌ی بهمن نامه هم یزدان (خداوند) در والاترین جایگاه قرار دارد، و پهلوانان و شاهان به آن سوگند می‌خورند.

به یزدان که دادار دادآور است به نوری که زردشت از آن گوهر است

(ایزد یکی از نام‌های باری تعالی دانسته شده که جمع آن یزدان در فارسی به مفهوم مفرد و به معنی خداوند به کار می‌رود.) (یاحقى، ۱۳۷۵: ۱۱۳) همچنین به سه آتشکده‌ی معروف، آذرگشسب، آذرفرنبغ، و آذربرزین هم در بهمن نامه سوگند خورده شده است، اگر چه آیین‌های آتش پرستی بن مایه‌های دین مزدیسنا به شمار می‌آید، ولی ریشه در باورهای ایران باستان پیش از زردشت (میترا پرستی) دارد.

ماه و مهر و جشن‌های مهرگان و نوروز هم از پدیده‌های هستند که در ابیاتی در این منظومه به عنوان پدیده‌های اسطوره‌ای مقدس به آنها سوگند خورده‌اند.

به هرکس یکی سخت سوگند داد به ماه و به مهر و بدین و به داد

۸۸/۱۲۲۰/بهمن نامه

به نوروز پاکیزه و مهرگان به خورشید کو تازه دارد جهان

۱۲۲۳/ ۸۸/بهمن نامه

ماه یا قمر همانند مهر در افسانه‌های کهن اسطوره‌ای، چه در ایران و چه در ملل دیگر نقش مهمی دارد، و هلال آن تا ماه تمام از گذشته‌های دور نشان‌ها و عملکردهای ویژه‌ای بر روی زمین داشته است. مهر نیز یکی از ایزدان مهم در آیین زردشتی است. در سروده‌های زردشت در کتاب مقدس اوستا به سبب اهمیت آن، یشتی به نام مهر یشت وجود دارد، و همچنین در ایران کهن جشن مهرگان و نوروز در نزد پیشینیان (تاکنون) دارای تقدسی ویژه بوده است، و اصولاً جشن و شادی از مهم‌ترین موهبت‌های خدایی و جزء جدایی‌ناپذیر سنت‌های ایرانی است. از این رو، برای هر بهانه‌ای جشنی برپا می‌شد. تغییر فصول، برداشت محصول، پیروزی در جنگ‌ها، فتح کشورهای دیگر و غیره. مردم ایران همواره با عشق و علاقه‌ای خاص به پیشواز این جشن‌ها و برگزاری مراسم آنها می‌رفتند. اکثر این جشن‌ها و آیین‌ها و مناسک اساطیری دین مزدیسنا ریشه در باورهای پیش از زردشت دارد، که بعدها جزء

مراسم ویژه‌ی مذهب جدید (مزدیسنا) شده است. در بهمن نامه، نیز این جشن‌های کهن مقدس بوده است، و برای وفا کردن به عهد و پیمان و ثابت کردن سخن خود به آنها سوگند خورده‌اند.

جادو و جادوگری در چهار داستان بهمن نامه مطرح گردیده است. در این منظومه از جادوگری خاص نام برده نشده، بلکه کارهای شگفت انگیز افراد و یا موجودات خاصی، جادو نامیده شده است. اصولاً در فرهنگ‌ها هم جادو را به همین معنی خوانده‌اند: (چیزهای غریب را که خلاف طبع است، جادویی و سر گویند). (دهخدا، ذیل واژه جادو) در منظومه‌ی بهمن نامه، دو جادو توسط دختر پادشاه اسلم صورت می‌گیرد. او یک بار به شکل آهو و یک بار نیز بسان آتش شعله ور نمایان می‌شود. جادوی اول را برای بدست آوردن بهمن، و دومی را برای نجات دادن بهمن انجام می‌دهد. در این دو جادو دختر پادشاه اسلم باید خود جادوگر باشد. هرچند که در داستان او جادوگر شناخته نمی‌شود. جادوی دیگر مربوط به موجوداتی است که خودشان ذاتاً جادوگر آفریده شده‌اند و جادوی هم مربوط به دختر خاقان چین است. او نیز، مانند دختر پادشاه اسلم آهوئی را برای بدست آوردن رستم تور، جادو کرده و رستم تور را در پی او به مقر خود می‌کشد، اما مشخص نیست که او، خود آهو را جادو می‌کند و یا از کس دیگر می‌خواهد تا این جادو را انجام دهد. در این منظومه نامی هم از نوش آذر جادو، برده می‌شود. او جادوی نمی‌کند و تنها دیوزوش را به بهمن معرفی می‌کند. پدیده‌ی اساطیری دیگر بهمن نامه گنج است. البته اگر از گنج به عنوان یک پدیده‌ی اسطوره‌ای نام ببریم، زیرا، گنج به خودی خود یک پدیده‌ی اساطیری نیست؛ اما در باورهای مردم در گذر زمان گنج، یک پدیده‌ی اسطوره‌ای فرض شده است؛ زیرا، در اغلب داستان‌های اسطوره‌ای، نگهبان گنج، موجودات شگفت‌آوری مانند: مار، اژدها و... است، و این گنج‌ها در مکان‌های عجیب و غیر قابل دسترس قرار دارند،

که قهرمانان باید برای دست یافتن به آن، مشکلات و سختی‌های بسیاری را تحمل و بر آنها غلبه کنند. سخن از گنج و گنج نامه نیز در برخی از داستان‌های بهمن نامه است: گنج نامه‌ی شاه بهمن، گنج‌های دخمه‌ی رستم، گنج نامه‌های بانو گشسب، اما داستان خاصی در مورد این گنج‌ها وجود ندارد.

دیگر پدیده‌ی اسطوره‌ای که می‌توان در منظومه‌ی بهمن نامه مورد بررسی قرارداد، مکان‌های اساطیری هستند. مکان‌هایی که جای مشخصی نیستند. در واقع در اسطوره همه چیز در مکانی بی مکان و زمانی که هنوز زمان نبوده است، نمایان می‌شود. مکان اساطیری، ممکن است در آسمان، در نور، در کواکب، در اقیانوس و... باشد. گاهی این مکان‌های اسطوره‌ای دیوار و قلعه‌ای سنگ چین است که به طور عجیبی انسان را به فضایی ماورایی می‌برد؛ مانند دژهای واقع در بالای کوه‌ها و قله‌ها. در بهمن نامه، شاه بهمن و سپاهش باید از مکان‌هایی عبور کنند که بسیار عجیب و خطرناک هستند؛ دره‌ای به اندازه‌ی چهار فرسنگ که تماما از عسل آکنده است، و زنبورها از آن عسل نگهبانی می‌کنند، دریایی ژرف با موج‌های سهمناک، مکان‌هایی که در آنها موجودات شگفت آور زندگی می‌کنند، کاخ‌ها و قلعه‌های عجیب و جایگاه دخمه رستم که مکانی بسیار شگفت انگیز است. هیچ کدام از این مکان‌ها، نقشه‌ی جغرافیایی مشخصی ندارند، و معین نیست که در طی چند روز به آنها می‌رسند و یا از آن مکان‌ها عبور می‌کنند.

موجودات شگفت انگیز اسطوره‌ای نیز، در برخی از داستان‌های منظومه‌ی بهمن نامه، وجود دارند. از این موجودات عجیب الخلقه در داستان‌های اساطیری کهن، بسیار سخن رفته است. این موجودات گاهی ترکیبی از انسان و جانور هستند، و گاهی فوق بشری و با هیبتی شگفت آور توصیف می‌شوند.

در کل این جانوران تخیلی برخاسته از اندیشه‌ی بشر نخستین و نمادی از اسرار نهفته‌ی جهان ناشناخته‌ی پیرامون اوست. این موجودات برای بشر ابتدایی به منزله‌ی

نیروهایی بوده‌اند که نه تنها بر اسرار زندگانی و طبیعت، بلکه به رازهای جاودانگی و فنا ناپذیری نیز آگاه بوده‌اند. در داستان‌های اسطوره‌ای، قهرمانان و پهلوانان در برخورد با آنها دچار خطرات و مشکلات زیادی می‌شوند و در نهایت بر آنها چیره می‌گردند. برای مثال در کتاب دانش اساطیر از موجودی به نام شیخک نام برده شده، که (به معنی دوشیزه‌ی زهر آگین است و آن افسانه‌ی دختری است که از کودکی به خوردن زهر خو گرفته و با سم پرورش یافته، آن چنان که در بزرگسالی نگاه و بوسه و آهش کشنده است.) (باستید، ۱۳۷۰: ۳۸) در بهمن نامه، اژدها، موجوداتی به نام سگسار، دوال پا، گلیم گوشان و دیو وجود دارد.

در دو بخش از این منظومه (کشتن اژدها بدست آذربرزین و بلعیده شدن بهمن توسط اژدها) اژدها حضور دارد. در بسیاری از داستان‌های حماسی و پهلوانی ملل گوناگون، اژدها عنصری اساطیری و به سبب نمایان ساختن قدرت و نیروی جنگاوری پهلوان و پیروزی بر اژدها و غلبه بر نیروهای اهریمنی است، و اکثراً در پایان داستان‌های اسطوره‌ای (پهلوانی خدایی پدیدار می‌شود، دژی را که اژدها در آن سنگر گرفته است را تسخیر می‌کند، و بر غول غلبه می‌نماید. این کار آب‌هایی را که در دژ انباشته و نگهداشته شده بود، رها و آزاد می‌گرداند و به اسارت زن‌هایی که اژدها در حرم سرای خود به بند کشیده بود، پایان می‌بخشد. آن گاه باران از نو سر می‌گیرد، زمین را بارور می‌سازد.) (ویدن گرن، ۱۳۷۷: ۷۲) در بهمن نامه نیز آذربرزین، پسر فرامرز به عنوان پهلوانی قوی و جنگجو در بخشی از داستان، اژدهایی را نابود، و آرامش و آسایش را برقرار می‌کند، و اژدهایی که در بخش پایانی داستان ظاهر می‌شود، به گونه‌ای مجازاتی برای کارهای بهمن شاه است که از روی نادانی و خامی انجام داده. هنگامی که شاه بهمن گرفتار اژدها می‌شود، آذربرزین به عمد برای نجات او نمی‌رود؛ گویی آذربرزین به طور غیر مستقیم می‌خواهد، انتقام خون خاندانش را

دیو یکی دیگر از موجودات شگفت‌انگیز بهمن نامه است که تنها در یک داستان از این منظومه حضور دارد. دیوان در افسانه‌ها موجوداتی زشت رو، شاخدار و حيله‌گرند، که گوشت آدمی را می‌خورند و بسیار ستمگر و سنگدل می‌باشند. (در کتاب مقدس اوستا همه‌ی صفات پسندیده‌ای که از انسان سر می‌زند به فرشته و همه‌ی کارهای زشت و ناپسند و ناروا را به دیو نسبت می‌دهند.) (رضایی، ۱۳۸۱: ۴۷۹) از دیدگاه آریایی‌های ایران زمین، شاید دیوان خود صفات اهریمن را بر گزیده‌اند. ذکر این مطلب حایز اهمیت است که (دیو اصلاً به معنی خداست و در قدیم، به گروهی از پروردگاران آریایی اطلاق می‌شده، ولی پس از ظهور زردشت و معرفی (اهورامزدا)، پروردگاران عهد قدیم (دیوان)، گمراه‌کنندگان و شیاطین خوانده شدند.) (یاحقی، ۱۳۷۵: ۲۰۱) در بهمن نامه دیو زوش، توسط نوش آذر، مهتر جادوگران برای یاری شاه بهمن می‌آید و دارای تمامی صفات ظاهری دیوان و موجودی اهریمنی است، و در جنگ بین بهمن و آذربرین در برابر رستم تور، پهلوانی از سپاه آذربرین قرار می‌گیرد. دیوزوش پس از شکست در این نبرد می‌خروشد و به شکل دودی تیره ناپدید می‌شود، و در آخر، نیروی خیر در مقابل نیروی اهریمنی و شر پیروز می‌گردد.

سرانجام

در کنکاش و بررسی پدیده‌های اسطوره‌ای منظومه‌ی بهمن نامه در می‌یابیم که در ایام پیشین هر یک از این معتقدات و باورها دارای فلسفه و استدلالی ویژه بوده‌اند، و هر کدام برای خود تاریخچه‌ای حقیقی داشته‌اند. این اساطیر در عصر حاضر نیز در نوشته‌های شاعران و نویسندگان با الهام از فرهنگ گذشته‌شان، لحن و آهنگ مخصوص به خود گرفته‌اند و ادامه‌ی حیات می‌دهند. تاثیر پدیده‌های اسطوره‌ای، در سرزمین ایران با تمدنی باستانی بسیار چشمگیر است. هر چند اسطوره‌های ایران

کتاب نامه

- ۱- ایرانشاه بن ابی الخیر (۱۳۷۰)، بهمن نامه، مصصح رحیم عفیفی، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ۲- باستید، روژه (۱۳۷۰)، دانش اساطیر، ترجمه جلال ستاری، چاپ اول، تهران، انتشارات توس
- ۳- بهار، مهرداد (۱۳۷۳)، جستاری چند در فرهنگ ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات فکر روز
- ۴- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، لغت نامه، تهران، ناشر دانشگاه تهران و روزنه
- ۵- راسل، برتراند (۱۳۷۶)، قدرت، ترجمه‌ی نجف دریابندی، چاپ دوم، تهران، انتشارات خوارزمی
- ۶- رسولی، جواد (۱۳۷۷)، آیین اساطیری و پیشینه‌ی سوگند در ایران و جهان، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش
- ۷- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۸۱)، تاریخ نوروز و گاه شماری ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات در
- ۸- روتون، ک. ک (۱۳۸۷)، اسطوره، ترجمه‌ی ابوالقاسم اسماعیل پور، چاپ چهارم، تهران، نشر مرکز
- ۹- سود آور، ابوالعلاء (۱۳۸۴)، فره‌ی ایزدی، چاپ اول، تهران، نشر نی
- ۱۰- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، شاهنامه فردوسی (از روی چاپ مسکو)، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ هشتم، تهران، نشر قطره
- ۱۱- هینلز، جان (۱۳۷۳)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه‌ی ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ سوم، تهران، نشر چشمه
- ۱۲- ویدن گرن، گئو (۱۳۷۷)، دین‌های ایران، ترجمه‌ی منوچهر فرهنگ، چاپ اول، تهران، انتشارات آگاهان ایده
- ۱۳- یاحقی، محمد جعفر (۱۳۷۵)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سروش